

د جوگیانو جونگرې وړانیرې، د دولتیانو میلمستون آبادیرې!

له بیوزلو انسانانو هر څه واخلي، حتی د خوټو کوډنی. د همدې لپاره د اوسني دولت وظیفه ده چې پر بیوزلو انسانانو د خټو کورونه خراب او ویجاړ کړي، که دا جوگیان وي او که زیار کښان. جوگیان یوازې هغه وخت له سوالگرۍ وتلې شي، اولادونه یې درس ویلی شي، خپل کورونه لرلی شي چې پر خپلو متو باور پیدا کړي، بیا له نورو زیار کښانو سره یوځای شي او د خپل نجات لاره پیدا کړي.

جوگیان، بیوزله انسان دي، بخصوص ښځې او ماشومان یې په رنځونکي فقر کې ژوند کوي. زیار کښان حق نلري چې هغوې ته سپکاوي او توهین وکړي. د زیار کښانو وظیفه ده چې هغوي ته د احترام په سترګه وګوري او همغسې چې د خپلې بیوزلې او فقر پر ضد مبارزه کوي، جوگیان هم په دې مبارزه او کوبښن کې شریک کړي.



من که فقیرې نمی بینم

دې لپاره تخریبرې چې دولتیان هلته د ځان لپاره میلمستون جوړ کړي، څو دې ښار ته د تګ په وخت له مشکلاتو سره مخامخ نشي او شپې ښه په آرامي او خوند تیرې کړي.

هغه دولتونه چې د زیار کښانو او بیوزلو انسانانو دولتونه نه وي، باید

جوگیان هغه بیوزله انسان دي چې په خیرات او سوال سره ژوند کوي. ښځې او ماشومان یې هغه رنځیدلي، ناداره او بیوزله انسانان دي چې په ګرمۍ او یخني کې سوال او خیرات راټولوي. جوگیان هغه غریب او فقیر انسانان دي چې له سهار څخه تر شپې پورې پر سر کونو ګرځي او د سوالگرۍ لاس پورته کوي څو ډوډۍ تر لاسه کړي.

د دې ټولې نادارۍ او بیوزلې سره، جوگیان ځان ته د خوټو جونگرې جوړوي څو شپه په کې سبا کړي. خو هغه کسان چې له بیوزلو انسانانو کرکه لري، حتی دا جونگرې ورته هم نه پرېږدي. د شبرغان په ښار کې همدا اوس د جوگیانو سل کورنۍ ژوند کوي. دولتیانو دې فقیرو جوگیانو ته ویلي دي چې باید خپلې جونگرې پرېږدي او که داسې ونه کړي نو جونگرې به یې ویجاړې شي. د دې فقیرو انسانانو جونگرې د ژمي په درشل کې د

با انزجار از دولت ستمگر پاکستان، با

کارگران زحمتکش آن کشور ابراز

همدردی می نماییم!

دولت ارتجاعی و ستمگر پاکستان مثل سایر دولت های ضد کارگران و زحمتکشان یکی از دولت های بیرحم ضد کارگران و زحمتکشان است که نه تنها کارگران و زحمتکشان پاکستانی را بلکه کارگران و زحمتکشان افغانستان و کشمیر را نیز غارت و چپاول کرده و کارگران را در بدترین و نامصون ترین شرایط کار استثمار می کند.

دولت ستمگر پاکستان که حامی سرمایه داران و ثروتمندان آن کشور است، دست این غارتگران را در چپاول کارگران و دهقانان باز مانده و آنان به خاطر تامین منافع شان کارگران را با شرایط بسیار بد در معادن،

هنوز خون کارگران زحمتکش اعصابی در افریقای جنوبی که بوسیله قاتلان مسلح سرمایه داران و ثروتمندان ستمگر آن کشور ریخت، خشک نشده و هنوز نفرت علیه آن کشتار بیرحمانه در دل تمامی زحمتکشان جهان قوغ می زند که خبر سوختن دردناک ۲۵۸ کارگر در یکی از کارخانه های تکه بافی در کراچی پاکستان به گوش می رسد. ما سوختن این کارگران عزیز را به جامعه کارگری و زحمتکش پاکستان و خانواده های این انسان های شریف و زحمتکش تسلیت می گوئیم و خود را در غم و اندوه آنان شریک می دانیم و همبستگی عمیق خود را با آنان اعلام میداریم.

ګرسنگی در دایکندی دهقانان را به

آوارگی کسانده است

دایکندی از ولایات دور افتاده و فقیر افغانستان است که فقر و ناداری دهقانان در آن وحشتناک است. در این ولایت ګرسنگی شدید روبرو هستند. ص(۳)



بیست و چهار هزار معتاد در ولایت کندز، فرزندان کی‌ها هستند؟

ولایت کندز که یکی از ولایات زراعتی افغانستان به حساب می‌رود، ۲۴ هزار معتاد موجود است. اکثر این معتادان مربوط به خانواده‌های فقیر، نادار و زحمتکش هستند. زحمتکشانی که حاضر هستند کار کنند تا لقمه نانی بدست بیاورند، اما کار پیدا کرده نمی‌توانند. بیکاری، فقر، ناتوانی، ناامیدی، بمباری خارجی‌ها، ظلم و آزار و اذیت پولیس و اربیکی‌ها، ستمگری طالبان زندگی را بر آنان تلخ ساخته، کار را از آنان گرفته و امید را در قلب آنان کشته است.

ص(۳)



تلاش برای عدالت و برابری بهترین پاسخ به نابرابری زحمتکشان است

عدالت و برابری در جامعه‌ای که ثروتمند و فقیر، سرمایه دار و کارگر، خان و دهقان موجود باشد منطقاً نمی‌تواند موجود باشد. چون ثروت و دارایی سرمایه داران و خانها و فئودالان از غارت و چپاول حقوق و مال ناچیز زحمتکشان و بخصوص زحمتکشان فقیر و نادار بدست می‌آید و از این رو در جامعه‌ای دارای ثروتمند و غریب که تعدادی آن را جامعه طبقاتی می‌خوانند، یعنی جامعه‌ای که در آن طبقه حاکم و محکوم موجود باشد، یعنی جامعه‌ای که در آن کارگر و سرمایه دار موجود باشد، یعنی جامعه‌ای که در آن خان و دهقان موجود باشد، بحث و صحبت از برابری و عدالت میان همه مردم دروغ و فریب و نیرنگی است که سرمایه داران و پولداران و زمینداران آنرا تبلیغ می‌کنند. توده‌های زحمتکش افغانستان که از صبح تا شام لحظه‌ای آرام ندارند، کار می‌کنند و عرق می‌ریزند و با پای‌های ترکیده و دستهای پراز آبله برای ثروتمندان کار می‌کنند، و اما دارندگان قدرت و دولتمردان که چپاول و غارت می‌کنند، بانک‌ها را بسته دزدی می‌کنند، میلیاردها دالر را چور می‌کنند و شهرک و کارخانه و شرکت می‌سازند، مردم فقیر را توهین و تحقیر می‌کنند، شکنجه می‌کنند، چگونه می‌توانند با هم در برابری زندگی کنند و چگونه می‌توانند هر دو از یک قانون فایده ببرند؟

در کنار کشتار زحمتکشان بوسیله نیروهای بیگانه، بی‌عدالتی و نابرابری زحمتکشان ما را در وضعیت بسیار بد قرار داده؛ برادران، خواهران، پدران و مادران و حتی اطفال ما شاقه‌ترین کارها (چوپانی، علف دروی، دهقانی، گارگری، موترپاکی، موجی‌گری و...) را انجام می‌دهند تا لقمه نانی بدست بیاورند، آنان از صبح تا شام کار می‌کنند و شب هنگام با چهره‌های خسته و ذله و افسرده به کلبه‌های گلی و تاریکشان بر می‌گردند و همین قسم زندگی خود را سپری می‌کنند، در حالیکه ثروتمندان نه کار می‌کنند، نه عرق می‌ریزند اما در قصرهای افسانه‌ای زندگی می‌کنند، لذا ما نمی‌توانیم در چنین حالت از برابری و قانون برای همه صحبت کنیم.

برابری و عدالت واقعی وقتی به میان می‌آید که زحمتکشان با اتحاد و یکپارچگی با تمام انواع بیدادگری، بی‌عدالتی، ظلم و ستم مبارزه مشترک بکنند و خود را از زیر کشتار و چپاول و غارت قاتلان بیگانه و سرمایه داران و زمینداران داخلی نجات بدهند.



محمد امیر تابش

پوهنتون بامیان، نمونه روشن زندگی محصلی فرزندان زحمتکشان

محصلانی ذکور و اناث که در لیلیه‌های بامیان سکونت دارند با مشکلات جدی دست و پنجه نرم می‌کنند، آنان برق ندارند و تعدادی زیر روشنی شمع و آنانی که وضع نسبتاً بهتر دارند در روشنایی سولرهای خورد درس می‌خوانند، آب آشامیدنی ندارند و بوسیله بوشکه آب تهیه می‌کنند، وضعیت تشناب‌ها خوب نیست، محصلان به کتاب و مواد درسی لازم دسترسی ندارند و پول اشاعه آنان در راه «زده» می‌شود و مبلغ ناچیزی به آنان می‌رسد.

محصلان بامیان که چنانچه گفتیم از طبقات نادار و زحمتکش بامیان می‌آیند، منطقاً باید مورد بی‌توجهی دولت کنونی قرار بگیرند، زیرا دولت کنونی دولت طبقات حاکم مثل سرمایه داران و ملاکان است، در حالی که محصلانی که در پوهنتون بامیان گرد آمده‌اند عمدتاً فرزندان دهقانان، کارگران و سایر زحمتکشان این ولایت می‌باشند. سرمایه داران و ملاکان و خان‌ها این را به خوبی می‌دانند که اگر زحمتکشان به آگاهی و دانش برسند، راه نجات خود را بزودترین فرصت پیدا می‌کنند و دیگر تن به ظلم و ستم غارتگران نمی‌دهند و بساط سرمایه داران و حامیان خارجی آنرا می‌چینند، لذا با وضعیت بد، زمینه‌های آموزش را بر آنان تنگتر می‌سازند.



سرممد

بامیان از جمله ولایتی است که توده‌های زحمتکش و نادار و فقیر آن هنوز هم در شرایط ناگوار بسر می‌برند، مردم این ولایت با هزاران بدبختی و مشقت زندگی می‌کنند و با وجود سرازیر شدن میلیاردها دالر از سوی کشورهایی که هر لحظه بر زحمتکشان بمبار می‌کنند، در این ولایت هیچ تغییری به چشم نمی‌خورد، بخصوص تغییری که به نفع زحمتکشان باشد. زیرا دولت‌های «کمک‌کننده»، به خاطر سیاست چور و چپاولی که دارند، فقط جای سرمایه گذاری می‌کنند که از آن سود بیشتر بدست آورده بتوانند.

چندسال است که از دولت کنونی که با پول خارجی‌ها چاره می‌کنند، می‌گذرد. در این مدت رنجبران بامیان که هنوز به خاطر فقر و ناداری در مغاره‌ها زندگی می‌کنند، از سردی می‌میمزند، از گرسنگی تلف می‌شوند و از بیماری و مرضی زندگی فلاکت بار دارند.

پوهنتون بامیان یکی از محل‌های است که نمونه خوب زشتی و ناکارایی و فقر زندگی محصلی فرزندان زحمتکشان را در این ولایت نشان می‌دهد. فرزندان زحمتکشان که نمی‌توانند در موسسات تحصیلات عالی خصوصی تحصیل کنند، ناگزیر به همان پوهنتون‌ها و دانشگاه‌های دولتی که وضعیت بسیار بد دارند، مراجعه می‌کنند.

بیست و چهار هزار...

در میان این بیست و چهار هزار معتاد، ۳۰ فیصد زنان و ۵ فیصد کودکان هم شامل هستند. در یازده سال گذشته که خارجی ها به وطن ما آمده اند و بمباری می کنند و تا اکنون هزاران هموطن زحمتکش ما را کشته اند، مواد مخدر نیز زیاد

شده و هر سال هزاران نفر معتاد می شود که تمام آن ها فرزندان، خواهران و مادران خانواده های غریب و نادار و فقیر می باشند. اما از تجارت مواد مخدر تعدادی از افراد که دوستان خارجی ها نیز می باشند، پول پیدا کرده اند، شرکت ساخته اند، کارخانه جور کرده اند، شهرک آباد کرده اند، بانک

دید. فرزندان زحمتکشان بوسیله تجارت مواد مخدر بیشتر معتاد شدند، کارگران، دهقانان، معلمان، نجاران، آهنگران و موجی ها بیشتر کشته خواهند شد، اما فرزندان سرمایه داران، غارتگران که خواهان کمک خارجی ها هستند، در عیش و عشرت زندگی خواهند کرد. ★

نور محمد با مشکلات ...

می کنم خیلی دور از شهر میباشد. قریه ما راه موتررو ندارد و اگر کدام مریض داشته باشیم و مجبور شویم به شهر تالقان بیایم، بعد از سه ساعت پیاده روی تا سرک، موتر میسر می شود. ما مردم للمی کار هستیم کشت و زراعت ما همش للمی است. اگر سال خوب آمد و برف و بارندگی شد یک چیزی غله و دانه بدست می آید و اگر مثل سال گذشته خشکسالی بود روز و روزگار ما خراب است. چند سال

می شود که به خاطر خشکسالی های دوامدار قامت خوده راست کده نمی تانم. اگر یک سال کمی خوبتر باشه سال دیگه که خشکسالی آمد همه داروندار ما را نیست و نابود می کنه."

نورمحمد تنها از طبیعت و خشکسالی های آن شکایت ندارد، از مشکلات دیگری نیز رنج می کشید او چنین ادامه میدهد: "در منطقه ما مکتب و کلینیک وجود ندارد. امنیت نیست، قومندان سالاری، ظلم و بیعدالتی هنوز هم هست و حق غریب پایمال می شود.

درسال گذشته خانم در اثر مریضی سل فوت کرد به خاطر اینکه پول نداشتم نتانستم تداویش کنم. ده مرگشم یک دنیا قرضدار شدم، چیزی به فروختن ندارم که قرض خوده خلاص کنم. یک دختر جوانم مریض است به داکتر نشان دادم میگن مریضیش تویرکلوز است و دوسال باید تداوی شود، حیران هستم که اوره چه قسم تداوی کنم. سه سال پیش یک گاو شیری و سه چهار بز داشتم که از مجبوری به نیم قیمت سودایش کردم. از خود زمین ندارم و دهقانی مردمه می کنم،

قدرت کوچ کردن و رفتن به یگان شهر دیگه ره ندارم، باز اگه بروم چه خاد کدم، ده شهر به دیگر کار نیست به مه از کجا شود. ده قریه حد اقل ده یک سرپناه دارم، ده شهر با هشت اولاد خود چه قسم روز خوده بگذرانم.

نورمحمد در آخر برایم گفت، "میدانم زندگی کدن ده شرایط فعلی که نه حکومت درست وجود داره و نه برای مردم غریب کسی توجه می کنه، بسیار سخت است، اما مه پروای ای گپاره ندارم و زحمت خوده می کشم." ★

گرسنگی در دایکندی ...

دو صد خانواده از ولسوالی های سنگ تخت، کجبران و گیزاب به مراکز ولسوالی ها و شهر نیلی آمده اند تا از فقر و گرسنگی فرار کرده باشند، ولی این دهقانان، در این کشور هر جا که بروند با فقر و ناداری بیشتر روبرو می شوند و از گرسنگی نجات پیدا کرده نمی توانند.

و ناداران است. یک مشت اندک مفتخوار، ثروتمند و غارتگر موجود است که اکثریت مردم که دهقان و کارگر و زحمتکش می باشند را در چنگال خود گرفته اند، نان شان را دزدی می کنند و خون آنها را به خارجی ها می فروشند تا پول و ثروت شان زیاد شود.

مردم زحمتکش دایکندی نیز در دست همین مفتخواران و غارتگران اسیر هستند. یک عده مفتخوار که به نام

این مردم زحمتکش سوداگری قومی می کنند، خود در کاخ های لوکس و زیبا با خانواده شان کیف می کنند، نه زمستان را می شناسند، نه گرسنگی و نه بی دواپی.

این تنها دهقانان و زحمتکشان دایکندی نیستند که در گرسنگی به سر می برند، نه نان دارند و نه خوراکی برای خوردن. این تنها زحمتکشان دایکندی نیستند که بخاطر گرسنگی آواره می شوند، بلکه در افغانستان ۹ میلیون

زحمتکش، ۹ میلیون برادر و خواهر زحمتکشان دایکندی، عین وضعیت را دارند. لذا زحمتکشان باید بدانند که درد و رنج شان مشترک است. اگر در دایکندی زحمتکشی گرسنه است، در قندهار نیز زحمتکشی گرسنگی می کشد، اگر در دایکندی دهقانی در فقر بسر می برد در کتر نیز دهقانی نادار است. درد و رنج زحمتکشان ما مشترک است، پس راه نجات از فقر، ناداری و گرسنگی شان نیز مشترک است.

با انزجار از دولت ...

کارخانه ها و شرکت ها استخدام می کنند و چون برده ها آنانرا به کار واداشته و از هیچ نوع سهولت ایمنی در جریان کار برخوردار نمی باشند که نمونه روشن آن سوختن همین ۲۵۸ کارگر در یک کارخانه با دروازه های بسته است.

این دولت خاین به زحمتکشان پاکستانی، مردم ما را نیز آرام نگذاشته است. این دولت که همیشه با اشاره

امریکا و انگلستان می رقصد در کنار این غارتگران، در حق مردم ما از هیچ نوع جنایت دریغ نکرده است. همین اکنون، اگر از یک طرف طیاره های امریکایی و ناتو مردم زحمتکش افغانستان و پاکستان را می کشند، از طرف دیگر پاکستان از طریق انتحار طالبان خانواده های کارگران و زحمتکشان را به ماتم می نشاند.

انجمن اجتماعی زحمتکشان افغانستان ضمن اینکه دولت پاکستان را یک دولت ستمگر می داند، آنرا دولت

زحمتکشان پاکستان ندانسته، باور دارد که زحمتکشان افغانستان و زحمتکشان پاکستان در همبستگی و اتحاد کامل می توانند از وحشت و جنایت خارجی و داخلی کشورهای شان نجات پیدا کنند. با اتحاد و همبستگی زحمتکشان افغانستان و پاکستان می توانیم نجات کارگران، دهقانان و زحمتکشان را از آتش جنگ های غارتگرانه و آتش استعمار و بهره کشی تضمین کنیم، در غیر آن صدها کارگر دیگر نیز در این آتش خواهد

سوخت و واضح است که هیچ کسی، هیچ دولتی، هیچ طیاره ای ما را نجات داده نمی تواند، به جز همبستگی ما.

ما یکبار دیگر این فاجعه دردناک را به کارگران و زحمتکشان پاکستان و بخصوص خانواده های آنان تسلیت گفته، آرزو مندیم کارگران آن کشور با همبستگی و اتحاد به آزادی واقعی برسند، تا دیگر هیچ کارگری و دهقانی در کارخانه های سرمایه داران و زمین های چوهدری ها و اربابان خاکستر نشود. ★

د کندهار زیارکښان د یوولس کلنې جگړې بیوزلي قربانیان

طالبانو انتحار او د اوسني دولت د چارواکو د زیار کښانو ضد فعالیتونه او د هغوې زورونه، ټول هغه څه دي چې د زیار کښو ولسونو ژوند یې په دغه ولایت کې په غم، بیوزلي او وینې لړلې دی.

کندهاري زیار کښه ولس یوازې هغه وخت کولای شي دې ظلم، دې غربت او بیوزلي ته د پای ټکي کېږدي چې د افغانستان د نورو زیار کښو ملتونو او ورونو او خویندو سره یوځای د خپلو حقونو د اخیستو لپاره متحد شي. د افغانستان د زیار کښانو ټولنیز انجمن راځي.

یوولس کاله کيږي چې افغانستان د خارجي او بهرنیو ځواکونو د خونړي پلونو لاندې خپل کيږي. ټول افغانستان د دې جگړې قرباني دی، په خاصه توګه زیار کښه ولسونه. یوولس کاله کيږي چې زمونږ زیار کښه وروڼه او خویندې، بزګران او دهقانان، کارګران، استادکاران او نور زیار کښان په بیلابیلو پلمو د امریکایانو او ناتويي سرتیرو او د طالبانو لخوا وژل کيږي او د دولت پولیس یې هم د زورونې ډډه نکوي. کندهار یو له هغو ولایتونو څخه دي چې زیار کښه ولس یې په مستقیم

از زحمتکشان کوچی دفاع کنیم. دولت کلبه های فقیرانه آنان را ویران می کند!

کوچی ها، اینک دولت تصمیم گرفته تا کلبه های گلین و خاک آلود سه صد خانواده کوچی را در منطقه قصبه شهر کابل به این نام که بطور غیر «قانونی» ساخته شده است، ویران کند. این تصمیم ویرانی در حالی گرفته می شود که دولت کنونی صدها جریب زمین را به نام کوچی های زحمتکش و ستمدیده به ملاها، خان ها و پولدارانی تقسیم کرده که دارای شهرک، تانک های تیل و سرمایه گذاری های مهم می باشند، عضو پارلمان هستند و یا هم عضوی شورای عالی صلح می باشند. با حمله پولیس ها بر خانه های گلین کوچی ها در قصبه شهر

کوچی ها از زحمتکشان فقیر، ندارد، آواره و سرگردان کشور ما به حساب میروند. این زحمتکشان سالهاست که در درگیری و سختی زندگی می کنند. دولت های ضد زحمتکشان کوچی ها را نیز مثل سایر رنجبران و زحمتکشان غارت و چپاول می کنند. رمه، ماست، قروت، مسکه، پشم و تمام محصولات که از زنان و مردان، جوانان و ریش سفیدان کوچی با هزار مشکل، درد، زحمت و رنج بدست می آورند، از سوی غارتگران مختلف همیشه چور و چپاول شده و غزدی های آنان آتش زده می شود. امریکایی ها و دوستان مسلح جهانی اش که ریختن بم بر مردم زحمتکش تحفه تجاویز شان بر کشور ما می باشد، تا اکنون صدها کوچی را بمباردمان کرده اند.

کوچی های زحمتکش از سوی سرمایه داران و بخصوص خان ها و اربابان و آنانیکه با دولت هستند و حمایت سربازان جنایتکار خارجی را با خود دارند، مورد استفاده تجارتي قرار گرفته، به نام آنها زمین و شهرک گرفته می شود، میان آنان و زحمتکشان عزیز ملیت هزاره ما، عمداً و خایانه آتش نفاق را روشن می کنند و خاینان هر دو قوم، در این آتش هیزم بیشتر می ریزند تا پول های بیشتری بدست بیاورند. در کنار ده ها ظلم و ستم بر

زیار

صاحب امتیاز:

انجمن اجتماعی زحمتکشان افغانستان

مدیر مسول: آقا حسن «آروین»

شماره تماس: ۰۷۷۸۲۱۸۳۸۱ / ۰۷۰۵۱۷۱۸۷۳

ایمیل: zyar.af@gmail.com

وب لاک: www.zayarafg.blogspot.com

حساب بانکی بانک ملی: ۱۰۰۱۳۳۴۰۳۲۹۶۲

نور محمد با مشکلات روزگار مقابله می کند اما تسلیم نمی شود

نورمحمد باشنده قریه غجیرخانه ولسوالی بهارک تخار می باشد که در شهر تالقان غرض تداوی پسر هفت ساله اش که به گفته دو کتوران سنگ مٹانه داشت، آمده بود. او که ۴۳ سال داشت اما ظاهراً مرد ۶۰ ساله به نظر می آمد. از اینکه پول عملیات و تداوی پسرش را نداشت حیران بود که چه چاره کند.

از نورمحمد در مورد زندگی اش سوال کردم، نورمحمد که با سختی های روزگار دست و پنجه نرم می کرد، بعد از اینکه آه سردی کشید و به جوابم گفت: "ای برادر، بهتر است تو هم چیزی نه پرسى و مه هم چیزی نه گویم." با اسرار زیادی که نمودم در مورد روزگار خود چنین گفت:

"در قریه ایکه مه زندگی

ص(۳)